

پارگیری اشتباه ریاض در منطقه



ماجرای روابط پر چالش میان عراق و عربستان به‌عنوان دو کشور عربی موثر در منطقه، از سال‌ها پیش تحت تنش‌های مختلف قرار داشت، تنش‌هایی که هیچ‌گاه نگذاشت روابط عادی و گرم میان دو کشور در دوران عراق جدید یا همان عراق پساصدام شکل بگیرد. در این خصوص برخی حضور جریان‌های شیعی در نخست‌وزیری را علت مهم می‌دانستند و برخی دیگر دلایل متفاوتی را برای آن ذکر می‌کردند. در نقطه مقابل اما عده‌ای پا را فراتر گذاشته و تنش سیاسی را با محوریت داعش و جریان‌های رادیکال نزدیک به عربستان تحلیل می‌کنند و اساساً معتقدند عراق قدرتمند و مستقل در پارل مد نظر عربستان در غرب و جنوب‌غرب آسیا جایگاه ندارد. عراق اما هرچه که هست برای عربستان و جایگاه این کشور در منطقه بسیار مهم تلقی می‌شود چه آنکه نقشی سیاسی در منطقه بازی کند و با نحوه تعامل خود با ایران و سوریه و... به مولفه‌ای تعیین‌کننده تبدیل شود چه آنکه نقشی اقتصادی بازی کرده و همان‌طور که حاکمانش می‌خواهند بیشتر از گذشته بازار نفت جهان را تحت تأثیر حضور قابل توجه خود قرار دهد. حالا اما با بازگشایی یکی از مهم‌ترین مرزهای عراق و عربستان رسانه‌های جهان نگاه‌شان به تغییر راهبردی در غرب آسیا معطوف شده و می‌گویند که ممکن است عراق و عربستان فصل جدیدی از روابط اقتصادی و سیاسی را آغاز کرده باشند، اتفاقی که اگر در کنار بهبود روابط میان قطر و سعودی ارزیابی شود، تحلیل متفاوتی خواهد داشت و از دورانی جدید برای معادلات سیاسی منطقه خبر می‌دهد. موسسه بروکینگز (Brookings Institution) که از موسسات پژوهشی و تحقیقات سیاسی معتبر در ایالات متحده است اخیراً این مساله را مورد توجه قرار داده و به بررسی آن پرداخته است. بروس ریادل یکی از مدیران ارشد موسسه بروکینگز نویسنده اصلی این مطلب است. او هم‌اکنون پروژه‌ای را در این موسسه هدایت می‌کند که هدفش تحلیل اطلاعاتی و امنیتی برای قرن بیست و یکم آمریکا است. نکته قابل توجه این است که وی بازنشسته‌اش آن‌اس اطلاعات مرکزی آمریکا است و بخشی از تجربیات خود را در تحلیل‌هایش به کار می‌گیرد. در ادامه مهم‌ترین بخش‌های این مقاله را مرور می‌کنیم. در بخش ابتدایی، متن با مرور بسیار سریع روابط ۲۵ ساله اخیر دو کشور آغاز می‌شود: «عربستان سعودی بعد دهه‌ها انزوای عراق در نهایت حاضر به تعامل با همسایه شمالی خود شد. سعودی‌ها کاملاً بی‌میل به قبول دولت تحت رهبری شیعیان در عراق بودند. گذرگاه اصلی مرزی در عرعر بعد تهاجم عراق به کویت در ۳۰ سال قبل بسته شد و در نهایت، این گذرگاه اواخر ماه گذشته باز شد. دور جدید از تعامل سعودی‌ها با عراق به سال ۲۰۱۵ بازمی‌گردد. آنها در آن زمان و بعد از ۲۵ سال قطع روابط، سفیری به بغداد فرستادند. وزیر خارجه سعودی در سال ۲۰۱۷ از پایتخت عراق دیدن کرد و آن نخستین سفر یک‌طرفه سعودی بعد از دیدار

پادشاهی دیداری داشت و با ملک عبدالله ملاقات کرد. عبدالله بعد از این ملاقات به این نتیجه رسید که مالکی و دولتش غیرقابل اعتماد هستند و لذا او تصمیم گرفت تا تعامل بیشتری با آنها نداشته باشد. ملک عبدالله با این کار خطای راهبردی آمریکا برای حمله به عراق را با یک خطای بزرگ دیگر تکمیل کرد و به‌واقع باعث تداوم تنش‌ها در منطقه شد. علاوه بر این نویسندگان مطلب به این هم اشاره دارند که همین رفتار هم بود که بی‌ثباتی در عراق را تداوم بخشید.

فرستادند. با این حال مالکی و دیگر مقامات عراقی در اواخر ۲۰۱۳ تلاش‌هایی برای تعامل انجام دادند. رویکرد سعودی به عراق اساساً متفاوت از رویکرد دیگر همسایگان عرب عراق بود. کشورهای عربی نظیر مصر، امارات متحده عربی و اردن از اواخر دهه ۲۰۰۰ شروع به تعامل قابل توجهی با عراق کرده بودند ولی بدون تعامل سعودی، تعداد کمی از دیگر کشورهای عربی رابطه اندکی با بغداد داشتند.»

یک تلقی سطحی و سال‌ها تنش

در اینجای بحث سوال مهمی مطرح می‌شود و ادامه یادداشت برمبنای پاسخ به این سوال نگارش می‌یابد. سوال این است که چرا ملک عبدالله بی‌اعتمادی عمیقی به عراق داشت؟ و پاسخی که نویسندگان به آن می‌دهند بدین شرح است: «خط فکری قدرتمندی در رهبری سعودی در مورد ایران و اعراب شیعی وجود داشت که علیه عراق دست به کار شده بود. سعودی‌ها به‌مدت چندین دهه ایران را ذاتاً کشوری توسعه‌طلب تصور می‌کردند و معتقد بودند اعراب شیعی به ایران وفادار هستند. این عقیده در میان اعراب سنی از جمله سعودی‌ها عمیقاً ریشه‌دار بود و همچنان هم دیده می‌شود. علاوه بر این، وهابی‌سود، شیعیان را تکفیر می‌کنند که این هم دلیل مهم دیگری برای نوع نگاه سعودی‌ها به ایران و عراق است. با توجه به همین اعتقادات است که رهبران سعودی از همان اوایل تهاجم آمریکا به عراق مشورت‌های متفاوتی را ارائه می‌دادند و نمی‌خواستند که شرایط بدین صورت رقم بخورد.»

نویسندگان مطلب در این بخش توضیح می‌دهند که یک نگاه غیردقیق به منطقه از جانب سعودی‌ها باعث شده که نگاه‌شان به کشورهایی چون عراق اساساً تحریف شود و دیگر عربستان سعودی مورد بحث قرار گرفته است. «مالکی و دیگر اعضای ارشد دولتش در سال‌های قبل تلاش داشتند تا گشایشی در روابط با عربستان سعودی ایجاد کنند اما ملک عبدالله هیچ‌گاه در تصمیمش برای منزوی ساختن آنها تجدیدنظر نکرد. بغداد در ۲۰۱۲ ۲۰ مریزبان اجلاس اعراب بود و ریاض برای این نشست هیات‌دو پایه‌ای فرستاد که تحقیری از سوی این پادشاهی بود. دیگر کشورهای عربی هم هیات‌های دون پایه‌ای

نگاهی اشتباه به دولت نوری المالکی

ریدل در ادامه توصیف می‌کند که یک نگاه اشتباه و گمراه‌کننده درباره دولت نوری المالکی در این سال‌ها شرایط را متشنج کرده است. او می‌نویسد: «امروز مالکی عموماً به‌عنوان متحد قدرتمند ایران دانسته می‌شود در صورتی که این تصویری گمراه‌کننده است. مالکی نماد فضیلت نبود و در زمان نخست‌وزیری‌اش کمک‌شایانی به همگرایی‌ها در عراق نکرد اما گذشته از هر چیز، او فردی ملی‌گرا بود و مسیری مستقل از کشورهای منطقه را دنبال می‌کرد. در واقع، سفر مالکی به عربستان سعودی در ۲۰۰۶ به‌عنوان نخستین سفرش به خارج در مقام نخست‌وزیر پیامی حاکی از تمایلش بود که می‌خواهد جایگاه درست عراق را در جهان عرب دوباره به‌دست آورد. به‌علاوه، مالکی به‌عنوان نخست‌وزیر قصد داشت تا عراق را دوباره به جهان عرب بازگرداند.»

ارسال یک هیات دیپلماتیک سطح پایین به عراق موضوع دیگری است که در این یادداشت به‌عنوان اشتباه دیگر عربستان سعودی مورد بحث قرار گرفته است. «مالکی و دیگر اعضای ارشد دولتش در سال‌های قبل تلاش داشتند تا گشایشی در روابط با عربستان سعودی ایجاد کنند اما ملک عبدالله هیچ‌گاه در تصمیمش برای منزوی ساختن آنها تجدیدنظر نکرد. بغداد در ۲۰۱۲ ۲۰ مریزبان اجلاس اعراب بود و ریاض برای این نشست هیات‌دو پایه‌ای فرستاد که تحقیری از سوی این پادشاهی بود. دیگر کشورهای عربی هم هیات‌های دون پایه‌ای

عراقی‌ها تصمیم سعودی‌ها برای عدم تعامل را به‌عنوان خصومت عمیق تعبیر می‌کردند. عراقی‌ها با گذر زمان عمیقاً از سوی کسانی احساس تهدید می‌کردند که فکر می‌کردند آنها به‌دنبال معکوس ساختن روند پیشرفت‌شان در سال‌های پس از ۲۰۰۳ هستند. این یادداشت همچنین تأکید می‌کند که عراقی‌ها در سال‌های ۲۰۰۶ و ۲۰۰۷ توسط وهابی‌ها تشویق می‌شدند تا به القاعده در عراق پیوندند و این باعث ایجاد یک حس تهدید دائمی در میان عراقی‌ها نسبت به عربستان سعودی می‌شد

طرح آنها البته بعداً قدری تغییر کرد اما هرچه که بود نیاز داشتند تا کاری کنند که عراق پس از حمله آمریکا که عراق جدید نام گرفته بود از سوی همسایگانش پذیرفته شود. درنهایت برای این هدف (که حداقلی برای حفظ آبرو هم بود)، تیم بوش فشار قابل توجهی را بر سعودی‌ها وارد کرد تا با عراق تعامل داشته باشد و حتی خود جرح دبلیو بوش برای این تعامل با عبدالله لابی‌گری می‌کرد که البته نتیجه‌ای نداشت. ملک عبدالله، عراق تحت رهبری شیعیان را مغایر با منافع سعودی می‌دید و هیچ اهمیتی برای او نداشت که آمریکا برای تغییر این فکرش چه میزان فشار بر او وارد کند و عمق روابط بین آمریکا و سعودی نیز تأثیری بر این موضوع نداشت. به‌طور خلاصه، آمریکا به سعودی نیاز داشت تا از اثبات شدن عراق حمایت کند اما به‌نحوی به‌دنبال تغییر رژیم بود که سعودی‌ها را پس می‌زد. پروژه دولت بوش از همان ابتدای کار پروژه‌ای ناقص بود.

سعودی‌ها گمان می‌کنند بوش به آنها خیانت کرده

آنها نمی‌خواستند آمریکا به عراق حمله کند در بخش دیگری از این یادداشت به نگاه سعودی‌ها پرداخته شده و نوشته است: «اگر بخواهیم در مورد سعودی‌ها منصف باشیم، آنها عمیقاً احساس می‌کردند که دولت بوش به آنها خیانت کرده بود. سعودی‌ها از آنها خواسته بودند تا به عراق حمله نکنند و شوکه شدند وقتی دیدند که آمریکا نه تنها این کار را نکرد بلکه آن‌را به‌نحوی انجام داد که شرایط بعداً به‌نفع ایران شد. جای تعجب نبود که عربستان سعودی فشار آمریکا را رد می‌کرد.»

بن سلمان و تکرار ماجرای عراق در یمن

در ادامه به اشتباه دیگر سعودی‌ها در منطقه اشاره شده است: «ملک سلمان و پسرش ولیعهد محمد بن سلمان بعد از مرگ ملک عبدالله در ۲۰۱۵ در نهایت تشخیص دادند که عدم‌تعامل با عراق باعث می‌شود تا زمینه به ایران واگذار شود. نکته جالب اینجاست که تغییر سیاست آنها در مورد عراق وقتی اتفاق افتاد که آنها همان خطا را در مورد همسایه جنوبی در یمن هم مرتکب شدند. همان‌گونه که آنها مالکی را نزدیک به ایران می‌دانستند، همین تصور را در مورد شیعیان زیدی در شمال یمن هم داشتند. حوثی‌ها مدت‌ها بود که علاقه‌مند به جمهوری اسلامی بودند اما آنها کمک‌اندکی را از سوی ایران دریافت می‌کردند تا اینکه در گیرودار جنگ داخلی بعد از بهار عربی یمن، آنها پایتخت یمن، صنعا را در ۲۰۱۵ تصرف کردند و سعودی‌ها هم یک جنگ هوایی را علیه آنان به راه انداختند. از آن موقع بود که حوثی‌ها به‌نحو فزاینده‌ای رو به تهران آوردند زیرا ایران تنها کشور مهم علیه جنگ سعودی بود.

سعودی‌ها تا قبل از ۲۰۱۵ به‌دنبال منزوی ساختن عراقی‌ها بودند و از ۲۰۱۵ سعی در منزوی ساختن حوثی‌ها داشته‌اند. سیاست سعودی در هر دو مورد به‌نفع ایران تمام شد. سعودی‌ها به‌شدت نیاز دارند تا نحوه رفتار خود را با همسایگان عرب شیعی به‌نحو اساسی تغییر دهند و به‌جای منزوی ساختن آنها به‌دنبال تعامل با آنها باشند. متأسفانه بعید است که این بازاریابی در آینده‌ای قابل پیش‌بینی رخ دهد علی‌رغم پیشرفت‌هایی که نسبت به عراق اتفاق افتاده است. پیش‌شرط یک تغییر سیاست واقعی این است که عراقی‌ها را از دست دادند، فرصتی که به‌نفع ایران تمام شد. نوری‌المالکی در تابستان ۲۰۰۶ و چند ماه بعد از رسیدن به مقام نخست‌وزیری از این

دولت بوش قصد به قدرت رساندن شیعیان عراق را نداشت بلکه تصمیم آنها برای جایگزین کردن دیکتاتوری صدام حسین با یک دموکراسی به‌نفع آمریکا بود. اما بالطبع به‌خاطر ترکیب جمعیتی عراق، به اکثریت شیعه این اجازه را داد تا قدرت را به‌دست بگیرد. طرح آنها البته بعداً قدری تغییر کرد اما هرچه که بود نیاز داشتند تا کاری کنند که عراق پس از حمله آمریکا که عراق جدید نام گرفته بود از سوی همسایگانش پذیرفته شود

۳۶۴/۳۷۱۸۵ ارسال نماید. ◆◆
دانشنامه پایان‌تحصیلات اینجانب معین اسلامی فرزند اسداله به شماره شناسنامه ۶۴۷ صادره از کرمان در مقطع کارشناسی رشته دبیری علوم اجتماعی صادره از دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمان مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

◆◆
اصل مدرک فارغ‌التحصیلی اینجانب مرتضی ناصری فرزند محمد ابراهیم به شناسنامه شماره ۱۹۹۹ در مقطع کارشناسی رشته حسابداری صادره از دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساوه مفقود گردیده و فاقد اعتبار است. از یابنده تقاضا می‌شود گواهی‌نامه مذکور را به دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساوه به نشانی: استان مرکزی- شهرستان ساوه – کیلومتر ۴ جاده نورعلی‌بیک - دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساوه - صندوق پستی ۳۹۱۸۷/۳۶۶ ارسال نماید.

اصل مدرک فارغ‌التحصیلی اینجانب الهام بکائی فرزند مرتضی به شناسنامه شماره ۹۵۱۹ در مقطع کارشناسی رشته روانشناسی عمومی صادره از دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساوه مفقود گردیده و فاقد اعتبار است. از یابنده تقاضا می‌شود گواهی‌نامه مذکور را به دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساوه به نشانی: استان مرکزی- شهرستان ساوه- کیلومتر ۴ جاده نورعلی‌بیک - دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساوه - صندوق پستی ۳۹۱۸۷-۳۶۶ ارسال نماید.

◆◆
مدرک فارغ‌التحصیلی اینجانب زهره حاجی‌علی گل فرزند غلامرضا به شماره شناسنامه ۳۳۱۴ صادره از تهران مقطع تحصیلی کارشناسی ارشد رشته فیزیک (حالت جامد) صادره از واحد دانشگاهی آزاد اسلامی واحد قم به شماره.....مفقود گردیده است و فاقد اعتبار می‌باشد. از یابنده تقاضا می‌شود اصل مدرک را به دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم به نشانی قم، شهرک پردیسان، بلوار دانشگاه مجتمع دانشگاهی صندوق پستی

۲۵۲۰۶۹۷۵۲۱۰ صادره از گرگان در مقطع کاردانی رشته تربیت‌بدنی صادره از واحد دانشگاهی گرگان به شماره ثبت سازمان مرکزی ۳۹۵-۳۵۹ به تاریخ ۹۸/۱۱/۱۵ مفقود گردیده است و فاقد اعتبار می‌باشد. لذا از یابنده تقاضا می‌شود اصل مدرک را به دانشگاه آزاد اسلامی واحد گرگان به نشانی گرگان: بزرگراه شهید کلانتری - خیابان دانشگاه آزاد اسلامی - مجتمع دانشگاه آزاد اسلامی گرگان کد پستی ۴۹۱۴۷۳۹۹۷۵ اداره امور دانش‌آموختگان ارسال نماید.

◆◆
کارت و برگ سبز خودرو سواری سیستم: صبا تیپ GTXI رنگ: نوک مدادی متالیک مدل: ۱۳۸۷ به شماره انتظامی ایران ۱۱۵/۸۴ س ۷۲ شماره موتور: 2616595 شماره شاسی: S1412287538408 به مالکیت آقای مهدی زارعی زمین‌سنگی به کد ملی ۳۳۹۲۰۶۷۷۱۷ نام پدر باقر مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

برگ‌سبز و سند خودرو و پراید مدل ۸۲ به رنگ شیری معمولی به‌شماره موتور 00543345 و به شماره شاسی S1412282104605 و شماره پلاک ۱۴- ۳۴۹ ق ۲۱ به‌نام محمد مروان تبار مفقود و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد. ◆◆

سند خودرو نیسان مدل ۸۵ به رنگ آبی - روغنی به‌شماره موتور 334491 و به شماره شاسی J022172 و به شماره پلاک 14- 715 م 33 به‌نام سیدسلیمان موسوی مفقود و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد. ◆◆

برگ سبز خودرو سواری سایبا 131SE مدل ۹۹ به رنگ سفید - روغنی به‌شماره موتور M13/6431092 و به شماره شاسی NAS411100L3593387 و به شماره پلاک ۱۴- ۵۲۴ س ۲۶ به‌نام کامپمیه معاوی مفقود و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد. ◆◆

مدرک فارغ‌التحصیلی اینجانب زهرا طبرسا فرزند حسین به شماره ملی